

و بدرین فدای تو باد کجا میروی گفت بگوستان بقیع که مامور است
 بانکه از برای اهل آن مغفرت خواهم ابو موسیبه و ابورافع که از خواص اهل آن
 حضرت بودند همراه رفتند ابو موسیبه گوید که زمانی دراز از برای اهل آن
 استغفار کرده بعد از آن گفت خوشگوار باد تا آن نیشهای که خدای تعالی
 ستا را داده است و مبارک باد تا آن منزلی که ابواب آنرا بسته
 است بروی شما گشاده است باز بسته ایست از فتنه های سیاهی که چون
 شنبهای تاریک روی جلن نهاده است آخر تا اول بپوشیده است و
 انجام آن با آغاز باز بسته است لاجن آن از سابق نیز بسته است اینده از
 گذشته سخت تر بعد از آن گفت ای موسیبه مرا خبر کرد پس نزد
 میان خسته آنها می دنیا و بقاء در آن بود از آن نسبت میان تعالی
 خدای تعالی و بعد از آن نسبت گفتم یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد
 خرا آنها می دنیا و بقاء در آن وانکه نسبت اختیار کن گفت نه ای موسیبه
 و الله که تعالی خدای تعالی و نسبت اختیار کردم و چند روز بعد از آن
 بخورشند **از آنجا که** که رسول صلی الله علیه و سلم در همه مرضها از خدای
 تعالی صحبت میخواست میخواست مگر در آن مرض که میفهمید بود ای صفت

صیبت مرا که از بطنای منی بهر چیزی بیاید میگری **از آنجا که**
 که غایب رضی الله عنهما میگوید که رسول صلی الله علیه و سلم در ایام
 صحبت فرموده بود که هیچ پیغمبری از عالم بعمر دو سال که مقام خود را
 در نبوت می بیند پس اختیار و برادر دست و کجای نمند اگر خود
 می برند و اگر میخواهند صحبت میدهند رسول صلی الله علیه و سلم در آن
 مرض سه مبارک برتر از نومی من نهاده بود و طوطی چشم سبقت خانه
 و درخت بعد از آن گفت اللهم الرفیق الاعلی و الهیتم که ادر آن خبر
 کرد ایندند و او اختیار رفیق اعلی کرد و آن خبر برین گفته که رسول صلی
 علیه و سلم باین تکلم کرد این بود **از آنجا که** که این مسعود
 رضی الله عنه گوید که رسول صلی الله علیه و سلم یک ماه بیشتر از وفات
 ما را در خانه غایب رضی الله عنه حسیع کرد و دعایهای خضر فرمود و
 کرد و خدای تعالی را بر ما حلیفه کرد پس گفتیم یا رسول الله وقت
 رحلت تو کی است گفت دنیا الفراق و المقلب الی الله و الی الطینة
 یعنی نزدیک آمده است مفارقت اصحاب مبارک گشت بر لایزال
 و نزول بنوار التواکب **از آنجا که** که چون معاذ را رضی الله عنه

بصفت از آن

Copyright © King Fahd University